



# دو بستر جدید

پروپوزگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
برتابل طبع در الامان

## در اجتهاد

دکتر یوسف قرضاوی  
نویسنده و مترجم

فقیهان در اجتهاد به موقع و صحیح تأکید نموده است.

در مفاهیم اصیل اسلامی دو واژه برگرفته شده (مشتق) از یک ریشه مشترک وجود دارد که بیشترین تأثیر را در زندگی و حرکت اسلامی در طول تاریخ داشته است. این دو واژه، اجتهاد و جهاد هستند که از ریشه (ج ه د) گرفته شده اند؛ اگر آن را (جهد) بخوانیم به معنی «تمام توان و تلاش خود را به کار بردن» است و اگر آن را (جهد) بخوانیم به معنی «تحمل سختی و رنج» خواهد

### اشاره:

دکتر یوسف قرضاوی یکی از فقهای برجسته و شخصیت‌های اثرگذار اهل سنت معاصر است که در پویایی اجتهاد فقهی اهل سنت در دهه‌های اخیر نقشی مؤثر داشته است.

آنچه در ادامه می‌خوانید به بیان دیدگاه ایشان، در ارتباط با بستر نوین اجتهاد در جهان معاصر یعنی اقتصاد و پزشکی می‌پردازد که در طی مباحث جدید مربوط به این دو موضوع، نگارنده بر ضرورت انعطاف‌پذیری



بود.

منظور از واژه اول، آشنایی با هدایت و دینی است که هدف از ارسال پیامبران توسط خداوند، جامه عمل پوشاندن به این امر است. و منظور از واژه دوم پشتیبانی و دفاع از این دین است.

گستره واژه اول فکر و نظر (نظری) و گستره واژه دوم عمل و رفتار (عملی) است. با اندکی تأمل این نتیجه حاصل می‌گردد که این دو واژه مکمل و متمم یکدیگرند، اجتهاد نوعی جهاد علمی و جهاد نوعی اجتهاد عملی است.

اگر کسی از صاحبان نیرو (عمل) در راستای اجرای نتایج اجتهاد اقدام ننماید امکان از بین رفتن آنها وجود دارد، همان گونه که اگر علمایی در راستای دستاوردهای جهاد و تبیین آن وجود نداشته باشند و اقدام نمایند، از بین می‌روند، و در قرون طلایی اسلام این دو امر خطیر، جهاد و اجتهاد، در کنار هم حرکت کرده‌اند و سعادت امت، به سبب وجود مجتهدانی آگاه و مجاهدانی ورزیده امری حتمی بوده است. مجتهدان با درک آنچه خداوند در قرآن برای مسلمانان نازل نموده است و مجاهدان با پشتیبانی از قرآن به وسیله شمشیرهای برنده خویش، از کیان اسلام پاسداری کرده‌اند. قرآن در این باره می‌فرماید: لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ وَأَنْزَلْنَا الْحَدِيدَ فِيهِ بَأْسٌ شَدِيدٌ وَمَنْفَعٌ لِلنَّاسِ وَلِيَعْلَمَ مَنْ يَنْصُرُهُ وَرُسُلَهُ بِالْغَيْبِ

در عصری که جهاد وجود دارد اما اجتهاد همراه آن نیست، حیات اسلامی به خمولی می‌گراید؛ در حالی که جوامع غیر مسلمان در حال بیداری، شکوفایی و رشد به سر می‌برند. علاوه بر آن در دورانی نیز جوامع مسلمانان، خالی از جهاد و اجتهاد گردید که در نتیجه این عوامل، سرگرم اختلافات داخلی هستند (در حال جنگ بی نتیجه مذاهب) و سیادت و استقلال و وحدت خود را از یاد برده‌اند.

بعد از آن ندای آزادی‌سازی سرزمینهای اسلامی به گوش رسید و مسلمانان به استقلال رسیدند، اما استقلالی ناقص، زودگذر و ظاهری؛ چراکه استقلال واقعی آن است که جامعه خالی از آثار استعمار قانونی و فرهنگی و اجتماعی باشد و در کنار دور بودن از استعمار نظامی و سیاسی به همان فطرت (ذات) اصیل خود بازگردند و این مهم زمانی به وقوع خواهد پیوست که شریعت اسلام، اساس و خمیرمایه همه جنبه‌های زندگانی آنان در مواردی از جمله: «روحی و مادی، فردی و اجتماعی، اقتصادی و سیاسی، قانونی و اخلاقی، فکری و عملی و... قرار گیرد».

شریعت اسلامی که پایان دهنده تمام شریعت‌هایی محسوب می‌گردد که عهده دار هدایت بشر بوده‌اند،

و خداوند آن، هدایت، را این گونه توصیف می‌کند که دارای جامعیت، جاودانگی و شمولیت است و اینها همان رحمت پروردگار بر بندگانش در همه حال و زمان و مکان و در تمام میدانهای مختلف زندگی تا زمانی که قیامت فرا برسد، محسوب می‌گردد به همین دلیل، خداوند در شریعت خویش اصول و احکام (قواعدی) را به ودیعه نهاده است که برای برطرف ساختن نیازهای جدید انسان در طول زمان و فراخی مکان و دگرگونیهای زندگی مورد استفاده قرار گیرند. شریعت این چنین است که به همراه آنچه خداوند از گشاده دستی و انعطاف پذیری در آن قرار داده است و برای دانشمندان شریعت اسلامی حق اجتهاد را در مواردی که حکم قطعی درباره آن دیده نمی‌شود، قابل شده است، اما در مواردی که حکم ظنی برای ثبوت یا دلالت آن یا هر دو باهم وجود دارد، یا در مواردی که نص و دلیلی در این مورد وجود ندارد، میدان پهناوری برای اجتهاد مهیاست، بر این اساس شریعت برای روبرو شدن با مسائل تازه گسترده شده است و قدرت توجیه هر گونه دگرگونی را با بهترین روش و درمان هر دردی را با بهترین دارویی از داروخانه اسلام (به تنهایی) دارد، نه با درخواست از غرب و شرق.

اجتهاد همان است که موجب باروری، پویایی و بی‌نیازی شریعت گردد و سرپرستی امور زندگی را به گونه‌ای که خداوند دوست دارد و به آن راضی است بدون ضایع کردن حدود خداوندی و همچنین حقوق انسانی. این امر زمانی امکان پذیر است که بر اساس شرایط صحیح اجتهاد از جمله اینکه این اجتهاد از کسی که اهلیت آن را داشته باشد و اجتهاد در آن مورد نیز جایز باشد؛ صورت گیرد.

### دوبسترنوین اجتهاد

در این بخش به بیان دو بستر ازبسترهای اجتهاد که تغییر بزرگی در آنها نهفته است می‌پردازیم. این دو حوزه به دگرگونی مطالبی اشاره دارد که قبلاً تدوین گردیده است. مسائلی که در این دو حوزه مطرح می‌گردد، به گونه‌ای است که نیاز ما را به اجتهاد آشکارتر می‌سازد

### ۱. اقتصاد و دارایی

شکی نیست که در این دوران مؤسسات جدید اقتصادی و دارایی زیادی وجود دارد، به گونه‌ای که تا چند دهه پیش، چنین مؤسساتی وجود نداشته است. از جمله این شرکتها می‌توان شرکتهایی مانند: شرکتهای سهامی (عام و خاص)، سرمایه‌گذاری و ... را نام برد.

بیمه و انواع گوناگونش از جمله بیمه عمر و بیمه اموال و بانکهای گوناگون از جمله: سرمایه‌گذاری، صنعتی، کشاورزی، تجاری و... و مشغله‌های کاری فراوان آنان

دانش بشر نسبت به زمانهای گذشته پیشرفت زیادی نموده است، اما با این وجود، این امر مشکلات فراوانی را به دنبال داشته است که نیازمند راه حل شرعی هستند، و سوالات گوناگونی در این باره مطرح است که فقه اسلامی باید به آنها پاسخ گوید و بر مجتهد معاصر نیز لازم است که با تمام وجود تلاش نماید تا به استنباط حکم مناسبی بر اساس ادله شرعی بپردازد



مانند: حسابهای جاری، ودیعه و قرض الحسنه تحویل وجوه، مبادله ارز، افتتاح حساب، صدور اعتبارنامه ضمانتی (بانکی) و تنزیل برات و سفته و... که برخی از اینها حلال و برخی دیگر حرام می باشند. بیشترین معاملات به طور کامل جدید و برخی شبیه معاملات قدیمی یا نزدیک به آنها و برخی هم مشتمل بر معاملات جدید و قدیم هستند.

اما باید دانست که حکم این معاملات و مؤسسات چیست؟ دانشمندان در پاسخ به این پرسش به ارائه راه‌های مختلفی پرداخته‌اند.

دسته اول: برخی از دانشمندان ساده‌ترین راه حل یعنی نپذیرفتن سختگیری و تحریم را برگزیده‌اند اما این کار علاوه بر اینکه موجب فشار بر مسلمانان می‌گردد، موجب تنفر از دین می‌گردد. امام سفیان ثوری می‌فرماید: «افراد معتبر و دانا و آگاه از فقه در مسائل فقهی آسان‌گیری می‌نمایند و گرنه هر کسی دیگر قادر به سختگیری است.»

دسته دوم: برخی دیگر از دانشمندان بر این باورند که باب اجتهاد به طور کلی در مورد مسائل جدید باید باز باشد و معتقدند: «هر آنچه بر اثر تغییرات زمان و مکان به وجود می‌آید گاهی به دلیل مصلحت و گاهی به دلیل ضرورت و چه بسا به دلیل استنباطهای بی‌پایه و پیچیده، مباح می‌گردد.»

دسته سوم: این دانشمندان برآنند تا برای هر معامله جدیدی شبیه آن را در قدیم بیابند به گونه‌ای که بتوان حکم آن را از کتابهای فقهی گذشته استخراج نمود و نیز برای از بین بردن شک و سازگار بودن با اساس درست حرص می‌ورزند و در غیر این صورت آن معامله پذیرفته نخواهد شد.

بهرتر آن است که در ارتباط با این مسائل، شرکتها و مؤسسات جدید تحقیقات عالمانه و متفکرانه انجام گیرد تا فقها با وسعت نظر، با به‌کارگیری تمام تلاش خویش، بر اساس ادله شرعی به استنباط حکمی که شایسته این‌گونه احکام است، بپردازند؛ خواه حکم به اباحه یا تحریم باشد و این بستر اجتهاد و کارمجتهد است.

از این موارد می‌توان پولهای کاغذی، اسکناس را نام برد که امروزه پایه تمام معاملات گشته‌اند، اما این سؤال مطرح است که آیا حکم «نقود معدنی یا نقدین» را که در نصوص شرعی از آنها به عنوان طلا و نقره یاد شده است و در همه مسائل اقتصادی مطرح است مانند وجوب زکات و حرام بودن ربا و پرداخت بدهی و... را شامل می‌شود؟ آیا نقود شرعی تنها شامل طلا و نقره است و یا اینکه غیر از این دو نقود شرعی دیگری وجود دارد؟ برخی از علمای سطحی نگر امروزی به این امر معتقدند و بر این اساس، زکات را در غیر طلا و نقره واجب نمی‌دانند و ربای در غیر این دو را معتبر نمی‌شمارند.

آیا برای وجوب زکات و تحریم ربا، تنها طلا و نقره معیارند؟ اما در پرداخت بدهی ملاک نیستند؟

حکم ارزهایی که امکان کاهش نرخ آنها در طول زمان به گونه‌ای چشمگیر وجود دارد، چیست؟ و یا حکم بدهکاری که بدهی او بر اساس این نوع ارزها است، و اکنون می‌خواهد آن را بپردازد، البته بعد از کاهش غیر عادی این ارز مانند لیر ترکیه، چیست؟ امروزه حکم طلا چیست؟ آیا طلا همانند نقد، ارز، معیار ارزش کالاها محسوب می‌گردد یا خیر؟ هر چیزی را با طلا قیمت گذاری می‌کنند ولی نمی‌توان طلا را با هیچ چیز دیگری قیمت گذاری کرد. آیا طلا مانند گذشته توانایی انجام مبادلات را دارد یا به یک کالای تجارتي تبدیل شده است و یا ارزش آن به وسیله کالاهای دیگر افزایش و یا کاهش می‌یابد؟ طلای ریخته‌گری شده (آب دیده) چه حکمی دارد؟ آیا هر کدام از اینها دارای حکم خاصی هستند؟ و سؤالات دیگری که در این باره مطرح است. امروزه سمینارها، گردهماییها و همایشهای زیادی به منظور تحقیق درباره مسائل اقتصادی و دارایی، مانند سمینارهایی با عنوان بیمه یا بانک و زکات در تمامی داراییها و... بر گزار می‌گردد که در برخی موارد اتفاق نظر و در برخی موارد اختلاف نظر وجود دارد و حتی برخی از این مسائل بدون جواب مانده‌اند و برخی دیگر هم همچنان در حال بررسی و در انتظار رأی مجتهد به صورت فردی یا از طریق اجماع هستند.

موضوعی مانند بیمه در دانشکده فقه اسلامی دمشق، مجمع تحقیقات الأزهر و سمینار التشریح الاسلامی در لیبی و اولین همایش جهانی در مورد اقتصاد اسلامی در مکه مکرمه و... در همایشها و سمینارهای دیگر مورد مناقشه و بحث و تبادل نظر قرار گرفته است و استادان بلند مرتبه‌ای مانند: استاد مصطفی الزرقاء، شیخ علی الخفیف، شیخ عبدالله بن زید المحمود، دکتر حسین حامد حسان، دکتر محمد الدسوقی و... نیز در این باره نظراتی را ارائه کرده‌اند. همچنین مقالات و پژوهشهای گوناگونی در مورد آن ارائه شده است و خواهد شد.

## ۲. پزشکی معاصر

بدون شک با اکتشافات مهم و تکنولوژی پیشرفته دانش جدید و آنچه در دسترس انسان و به ویژه در حوزه پزشکی قرار گرفته است، دانش بشر نسبت به زمانهای گذشته پیشرفت زیادی نموده است، اما با این وجود، این امر مشکلات فراوانی را به دنبال داشته است که نیازمند راه حل شرعی هستند، و سؤالات گوناگونی در این باره مطرح است که فقه اسلامی باید به آنها پاسخ گوید و بر مجتهد معاصر نیز لازم است که با تمام وجود تلاش نماید تا به استنباط حکم مناسبی بر اساس ادله شرعی بپردازد.

در عصری که  
جهاد وجود دارد  
اما اجتهاد همراه  
آن نیست، حیات  
اسلامی به خمولی  
می‌گراید



سؤالات زیادی از این قبیل برای من مطرح شده است مانند مجموعه سؤالاتی که از طرف مؤسسه پزشکی اسلامی در جنوب آفریقا مورد پرسش واقع شده است و آن را دانشکده پزشکی اسلامی ملک عبدالعزیز در جده برای من فرستاده اند و دربرگیرنده نزدیک به هفده موضوع است، در اینجا برای بیان ضرورت اجتهاد به منظور پاسخگویی به سؤالات عصر حاضر، به بیان یک نمونه از آنها می پردازیم.

### پیوند اعضا و نیاز به اجتهاد در باره آن:

کاشت اعضا موضوعی است که با سرعت زیادی، پزشکی را دگرگون ساخته است، کاشت اعضا یعنی پیوند تمام عضو یا بخشی از آن یا پیوند بافت‌هایی از حیوانات در بدن فرد بیمار. مثلاً جدا کردن درچه‌های قلب خوک و گاو، پوست و کبد خوک و کاشت آنها در بدن بیمار.

اما در مورد انسان، فرد ممکن است در حال حیات خویش برخی از اعضای بدنش مانند یکی از کلیه هایش یا پوست یا خونس را به شرطی که به او ضرر نرساند، را ببخشد و همچنین امکان جدا کردن برخی از اعضا بدن مرده از جسدش نیز وجود دارد. ممکن است هدف از پیوند اعضا بازگرداندن زندگی، بهتر کردن شکل زندگی مانند درمان بافتی از استخوانهای کمر یا تقویت دید انسان یا امکان خوردن و نوشیدن بهتر به وسیله پیوند کلیه، باشد.

در ارتباط با این موضوع، سؤالات زیر مطرح است:

۱. آیا پیوند اعضای حیوان و یا بخشی از اعضای حیوان در بدن انسان برای بازگرداندن زندگی و یا بهتر شدن زندگی، حتی اگر آن حیوان، خوک باشد و یا اعضای بدن خوک باشد، جایز است؟
۲. آیا جایز است با موافقت فرد مسلمان، اعضای بدنش را در حالی که هنوز زنده است برای پیوند به منظور سلامتی پدر، مادر، برادر و... از بدنش جدا کرد؟
۳. آیا جایز است که فرد مسلمان رضایت بدهد که بعد از مرگش، اعضای بدنش را برای پیوند به هر فرد نیازمند، از جسدش جدا کنند؟
۴. آیا جایز است که مسلمانان جسد خویش را بعد از مرگ، برای کالبد شکافی به منظور آموزش دیگران ببخشند و به این ترتیب به جامعه بشری سود ببخشند؟
۵. چه زمانی مرگ انسان اعلام می گردد؟ این سؤال مهمی است که در پزشکی مطرح است.

چون اعضای مریض (منظور فردی است که در حال مرگ است، coma) هنوز قابلیت استفاده را دارند و اگر مقدار کافی از خون به آنها برسد به خوبی می توانند سودمند باشند (حالت ارتواء) و به همین سبب مفهوم مرگ مغزی پیش می آید و پزشک به واسطه آن، می تواند حکم کند که وقتی مریض به سبب زخمی شدن اجزای حیاتی مغز، کاملاً مرده است یا نه؟ و نیز به واسطه ایستادن حرکت دستگاه نوار قلب، می تواند تشخیص دهد که اعضای این فرد از بدنش جدا گردد یا نه؟ این دستگاه هرگز نخواهد ایستاد مگر با جدا شدن (عروج) اعضای حیاتی وی از بدن مانند ایستادن قلب.

۶. آیا پیوند اعضای غیر مسلمان بر بدن مسلمان جایز است؟ آیا انتقال خون از غیر مسلمان به مسلمان جایز است؟

سؤالات مطرح شده، نمونه ای از موضوعات فراوانی است که علم پزشکی جدید به آنها می پردازد و به اجتهاد جدید فقهای اسلام نیازمند است.

دو سال پیش توسط مؤسسه اسلامی علوم پزشکی در دولت کویت سمیناری برگزار گردید و فقها و پزشکان را به منظور بحث در مورد «اسلام و مسائلی درباره تولد» (الاسلام والانجاب) دعوت کردند. من هم افتخار حضور در این سمینار را داشتم و در آن مسائل مهمی مانند: بانک اسپرم، سقط جنین به خاطر بد نشان داده شدن جنین که پزشک آن را تشخیص می دهد، داور (تشخیص) جنسیت جنین، رحم اجاره ای و ... مورد بحث قرار گرفت، این مؤسسه تحقیقات ارائه شده در این سمینار را در یک جلد به چاپ رسانید.

در سپتامبر ۲۰۰۸ سمینار دیگری بین فقها و پزشکان در مورد آغاز و پایان زندگی بشری برگزار می گردد و این موضوع در برگیرنده بسیاری از احکام است که می توان این سؤالات را مطرح نمود: آغاز زندگی از زمان رسیدن سلولهای بارور کننده نر و ماده به همدیگر و انجام عمل لقاح شروع می شود یا از زمان شروع دوران حمل (زندگی سلولی)؟ یا زندگی بر اساس حدیث نبوی «النفخ والروح» بعد از سپری شدن صد و بیست روز از لقاح شروع می گردد؟

آنگاه این سؤال مطرح می شود که چه عاملی پایان بخش زندگی است و مرگ محقق می گردد: با ایستادن قلب و یا با مرگ مغز؟

این مسائل در برگیرنده آثار مهمی است که احکام خطرناکی بر آنها مترتب خواهد شد و باید فقه معاصر به استنباط احکام شرعی بپردازد.



موضوعی مانند بیمه در دانشکده فقه اسلامی دمشق، مجمع تحقیقات الأزهر و سمینار التشریح الاسلامی در لیبی و اولین همایش جهانی در مورد اقتصاد اسلامی در مکه مکرمه و... درهما بشها و سمینارهای دیگر مورد مناقشه و بحث و تبادل نظر قرار گرفته است و استادان بلند مرتبه‌ای مانند: استاد مصطفی الزرقاء، شیخ علی الخفیف، شیخ عبدالله بن زید المحمود، دکتر حسین حامد حسان، دکتر محمد الدسوقی و... در این باره نظراتی را ارائه کرده اند

